

# قانون جرایم جنگی

## و حمایت مبتنی بر آیین دادرسی\*

نوشته: رونالد کترل\*\*

برگردان: مهرداد رایجیان اصل\*\*\*

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

\*. The War Crimes Act and Procedural Protection, in the Criminal law Review. Sweet and Maxwell, March 1992, P. 173 - 175.

\*\* Ronald Cottrell, lecturer in law, leicester Polytechnic.

\*\*\* دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی و عضو انجمن‌های ایرانی حقوق جزا و جرم‌شناسی.



پڙهه ښكاره علوم انساني او مطالعاتو فرېښتې  
پرتال جامع علوم انساني

## اشاره مترجم

از عمر **حقوق بین الملل کیفری**<sup>۱</sup> - یعنی آن شعبه از حقوق بین الملل که جنبه کیفری به خود گرفته است - کمتر از یک سده می‌گذرد. این رشته جوان و نوپا، در تحولات نیمه نخست سده بیستم - به ویژه، جنگ‌های جهانی نخست و دوم - ریشه دارد. با پایان یافتن جنگ جهانی نخست و انعقاد قرارداد صلح ورسای در سال ۱۹۱۹ میلادی برای محاکمه سران و عاملان جنگ - از جمله، ویلهلم دوم (امپراتور آلمان) - نخستین گام جدی در تحول حقوق بین الملل کیفری برداشته شد. ولی، با پناهنده شدن ویلهلم به هلند و خودداری این دولت از استرداد وی به فاتحان جنگ، قرارداد ۱۹۱۹ به طور کامل جامه عمل به خود نپوشید. با پایان جنگ جهانی دوم در سال ۱۹۴۵ و تشکیل دادگاه‌های نورنبرگ و توکیو و محاکمه شماری از سران و عاملان این جنگ - گام‌های جدی‌تری در تکوین این شعبه از حقوق بین الملل برداشته شد. با تأسیس سازمان ملل متحد در همان سال، روند این تحولات سرعت بیشتری به خود گرفت، تا آنجا که این تلاش‌ها، امروز به تأسیس **یک دادگاه**<sup>۲</sup> **دایمی بین المللی کیفری**، به دنبال «اساسنامه ۱۹۹۸ رم»<sup>۳</sup> منجر شده است. ماده ۵ اساسنامه رم - که دست کم از اجماع آن دسته از کشورهای عضو ملل متحد که اساسنامه را امضا کرده‌اند، حکایت دارد - چهار جنایت بین المللی را به رسمیت شناخته که در دیپاچه اساسنامه از

1. International Criminal Law.

۲. از این دادگاه به عنوان دیوان (Tribunal) نیز یاد شده است.

3. Rome Statute of International criminal Court.

آنها به عنوان **خطرناک‌ترین جنایتهایی که مایه دل‌نگرانی جامعه بین‌المللی به شمار می‌رود**<sup>۱</sup> یاد شده است. جنایتهای چهارگانه مندرج در ماده ۵ عبارتند از:

- **نسل‌زدایی** Genocide

- **جنایات علیه بشریت** Crimes against humanity

- **جنایات جنگی** War crimes

- **تجاوز** The crime of aggression

از میان این چهار عنوان، «**جنایات جنگی**» در روند تحولات حقوق بین‌الملل کیفری، پیشینه درازتری دارد. خاستگاه این عنوان را باید در مقررات عرفی ۱۸۹۹ و ۱۹۰۷ - مشهور به «مقررات لاهه» - (درباره تنظیم مقررات حاکم بر جنگ‌های زمینی) و مقررات قراردادی ۱۹۴۹ - مشهور به «قراردادهای ۴ گانه ژنو» - و پروتکل‌های دو گانه الحاقی آن در سال ۱۹۷۷ (در زمینه مقررات درگیری‌های مسلحانه بین‌المللی و غیر بین‌المللی) جست و جو کرد. مجموعه این مقررات، امروز، «حقوق خاصه‌های مسلحانه» را به وجود آورده‌اند. ماده ۸ اساسنامه رم - در بیان مقررات ناظر بر جنایات جنگی - نیز بر همین پایه به تصویب رسیده است. براساس بندهای ماده ۸ «جنایات جنگی» را به سه دسته بین‌المللی، منطقه‌ای و داخلی می‌توان تقسیم کرد. بدین ترتیب، جنایات جنگی عبارتند از جنایاتی که در مدت زمان خاصه - بین‌المللی یا منطقه‌ای یا داخلی - به وقوع می‌پیوندند، با این قید که «درگیری‌های مسلحانه داخلی» باید در مدت زمان طولانی میان دولت و گروه‌های مسلح و سازمان یافته یا میان گروه‌های مسلح سازمان یافته در جریان بوده باشد.

با شکل‌گیری مفهوم «جنایات جنگی»، برخی کشورها قوانین داخلی خود را با مقررات بین‌المللی جنگ‌ها - یعنی حقوق درگیری‌های مسلحانه - هماهنگ و منطبق ساخته‌اند. انگلستان نیز از جمله این کشورها بوده است. در مقاله‌ای که پیش روی دارید، **رونالد کترول** - استاد حقوق دانشگاه لیستر انگلستان - به بررسی قانون جرایم جنگی ۱۹۹۱<sup>۲</sup> انگلستان، با تأکید بر حمایت‌های مبتنی بر آیین دادرسی درباره متهمان جنایتهای

1. The most serious crimes of international concern.

2. The war crimes Act 1991.

جنگی پرداخته است. امید است با برگردان این مقاله، زمینه مناسبی برای معرفی بیشتر رشته نوپای حقوق بین الملل کیفری به خوانندگان محترم در آینده فراهم آید.



اکنون که قانون جرایم جنگی ۱۹۹۱، به نظام حقوقی ما [انگلستان] پیوسته است، و با قوت گرفتن امکان تعقیب قریب الوقوع جنایتکاران جنگی، بحث درباره این قانون، تا اندازه زیادی، مستلزم تغییر جهت از مسأله انطباق یا عدم انطباق تصویب آن با قانون اساسی، به مسأله چگونگی دستیابی به اجرای منصفانه آن است.

بحث‌های مبنی بر خطر شدید جرایم جنگی و وضع اخلاقی پاسخگویی افراد در قبال چنین تعدیات و خشونت‌هایی، به نسبت بحث‌های مربوط به بی‌زاری و تنفر از قاعده قانونی قانونگذاری گذشته نگر،<sup>۱</sup> مدت جرایم مورد بحث و سن متهمان احتمالی و دشواری‌های اثبات فاصله زمانی و فاصله رویدادهای مادی جرم ارتكابی اهمیت بیشتری یافته است.

همه این مطالب به خوبی آشکار شده است. با وجود این، حتی اگر بپذیریم که تعمیم صلاحیت دادگاه‌های ما به این سمت درست بوده است، این پرسش مطرح می‌شود که چه شیوه‌هایی برای تضمین انصاف و عدالت در اجرای تعقیب جنایتکاران جنگی، ضروری است. در این مقاله، شیوه‌هایی که در قانون جرایم جنگی، انصاف و عدالت را تضمین نمی‌کنند، مورد بررسی قرار خواهند گرفت. شاید بتوان گفت از آنجا که این قانون درباره جرم‌های استثنایی<sup>۲</sup> است، قانونگذار موارد استثنایی از یک آیین دادرسی را در این قانون گنجانده است.

ماده ۱ از فهرست این قانون زیر عنوان «آیین دادرسی جانشین ارجاع»<sup>۳</sup> پیش بینی می‌کند:

«زمانی که شخصی در انگلستان یا ولز به جرمی متهم شده است که ماده (۱) این قانون در موردش اعمال می‌شود و به عقیده دادستان کل یا رییس دادرسی عمومی....

1. Retrospective Legislation.

2. Exceptional offences.

3. Procedure in Lieu of Committal.

دلایل و مدارک جرمی که فرد به ارتکاب آن متهم شده:

الف) برای اعزام آن شخص به محاکمه کافی باشد؛ ولی

ب) پرونده چنان پیچیدگی‌ای را نمایان سازد که مناسب باشد بدون هیچ تأخیری برای رسیدگی به دادگاه کراون<sup>۱</sup> واگذار شود-

اخطاری که آن عقیده را تأیید می‌کند می‌تواند توسط دادستان کل یا رییس دادرسی عمومی به دادگاه مجیستریتی<sup>۲</sup> ابلاغ شود که جرم اتهامی، در حوزه صلاحیت آن ارتکاب یافته است».

ویژگی استثنایی این فهرست، با ماده ۱ (۴) آن پررنگ‌تر می‌شود که پیش بینی کرده است:

- «تصمیم به ابلاغ چنین اخطاری قابل تجدیدنظر یا طرح در هیچ دادگاهی نخواهد بود».

حال می‌توان پرسید آیا چنین مقررات استثنا آمیزی موجه‌اند؟ می‌توان اذعان کرد که جرایم مورد بحث بسیار شدید اند، ولی آن، پاسخی به این پرسش نیست که آیا این جرایم با جرایم شدید دیگری از این دست - برای توجیه برخورد متفاوت، به ویژه بر اساس «پیچیدگی دلایل و مدارک»<sup>۳</sup> - تفاوت اساسی دارند یا خیر؟

پیش بینی «اخطار ارجاع یا فرستادن پرونده»<sup>۴</sup> در ماده ۱ (۱) به نظر می‌رسد به الگوی ماده ۴ قانون عدالت کیفری ۱۹۸۷ نزدیک باشد که مطابق آن، در یک پرونده پیچیده کلاهبرداری،<sup>۵</sup> رییس دادرسی عمومی و سایر مقام‌های صالح می‌توانند ارسال پرونده را به دادگاه کراون رسماً اعلام کنند. با وجود این، گفته شده است که

۱. Crown Court: این دادگاه که در دستگاه قضایی انگلستان بخشی از دادگاه (دیوان) عالی محسوب می‌شود از صلاحیت رسیدگی به همه پرونده‌های کیفری همراه با کیفرخواست برخوردار است. همچنین، دادگاه کراون، مرجع تجدیدنظر از احکام دادگاه‌های مجیستریت به شمار می‌رود.

۲. Magistrate Court: دادگاه رسیدگی کننده به پرونده‌های خرد که بدون هیئت منصفه تشکیل می‌شود.

3. Complexity of the evidence.

4. Notice of Transfer.

5. complex fraud.

کلاهبرداری پیچیده نمونه خوبی برای مقایسه با قتل عام<sup>۱</sup> نیست.

ضرورت مورد درک برای آیین دادرسی ویژه در برخی پرونده‌های کلاهبرداری، بر ماهیت پیچیده و مرموز برخی دلایل و مدارک استوار است: «اقدام‌های بی‌زانتین»<sup>۲</sup> در مورد صورت حساب‌های شرکت، گزارش‌های مالیاتی قوانین شرکت‌ها و... در مقام مقایسه، یک اتهام قتل عمد، موضوع دشواری برای فهم نیست، حتی اگر سال‌ها پیش در یک سرزمین خارجی اتفاق افتاده باشد.

وانگهی، این برای دادگاه‌های ما بی‌سابقه نیست که اتهام‌های شدید و خطرناک را سال‌ها پس از وقوع آن، یا جرایم ارتكابی خارج از قلمرو سرزمین را مورد رسیدگی و محاکمه قرار دهند. دادگاه‌های مجیستریت چنین موضوعاتی را پیش از این رسیدگی کرده‌اند.

دیدیم که سیاق ماده ۱ (۴)، تجدید نظر قضایی را از اخطار رسمی ارجاع نمی‌پذیرد. در اینجا یک تفاوت چشمگیر با اخطار رسمی ارجاع به موجب ماده ۴ قانون عدالت کیفری ۱۹۸۷<sup>۳</sup> در مورد پرونده‌های کلاهبرداری وجود دارد. مطابق ماده ۶ قانون عدالت کیفری ۱۹۸۷، شخصی که به او طبق ماده ۴ اخطار رسمی شده است می‌تواند در قبال اتهام‌های مندرج در اخطاریه که پیش از احضارش مردود شمرده شده بود، به دادگاه کراون مراجعه کند.

با وجود این، به نظر می‌رسد شخصی که به موجب ماده ۱ (۱) از فهرست قانون جرایم جنگی ۱۹۹۱، از اخطار رسمی مطلع شده است، از چنین حمایتی بهره‌مند نیست. او ممکن است به قتل عمد متهم شود و یک سال یا بیشتر را در انتظار محاکمه و شاید هم در بازداشت بگذراند، بدون اینکه فرصتی برای به چالش کشیدن این مسأله که آیا مقام تعقیب، ادعای محمول بر صحت<sup>۴</sup> را اثبات کرده است یا نه، داشته باشد.

چرا این گروه از متهمان احتمالی باید در چنین وضعیت غیر عادی و استثنایی قرار داشته باشند؟

دولت نسبت به میزان مقاومت و مخالفت بسیاری از مردم در مقابل قانونگذاری

1. Mass murder.

2. The Byzantine workings.

3. The Criminal Justice Act 1987.

4. a prime facie case.

گذشته نگر حساس است؛ مردمی که رویارویی چشمگیر مبتنی بر قانون اساسی با مجلس اعیان<sup>۱</sup> و توسل به قوانین پارلمان را - به احتمال قوی در مقابل کنوانسیون - برای آن که این قانون اصلاً به تصویب نرسد، شاهداند. این مخالفت ممکن است در میان برخی مجیستریتهای منعکس شود که در نیمه سده گذشته می توانستند با اعزام اشخاص به یک کشور خارجی برای محاکمه در قبال جرایم اتهامی، بر اساس قانونگذاری گذشته نگر مخالفت ورزند، و گفته شده است که دولت مشاهده چنین اغتشاش هایی را در مرحله اعزام بسیار شرم آور خواهد یافت.

اگر دولت برای اعزام این مظنون های میانسال به محاکمه گمارده شود، منطقی به نظر می رسد که آنها باید درصدد نپذیرفتن تجدید نظر از اخطاریه رسمی برآیند و فقط حیرت آور خواهد بود که شرط عزل مندرج در ماده ۱ (۴) از فهرست قانون ۱۹۹۱، بیش از آن که واقعاً می نمایاند، انکارناپذیر شده است. همان گونه که دیدیم ماده ۱ (۴) به صراحت گفته است: «تصمیم به ابلاغ چنین اخطاری قابل تجدید نظر یا طرح در هیچ دادگاهی نخواهد بود». در مقام مقایسه، به نظر می رسد ماده ۷ (۸)<sup>۲</sup> از «قانون رهگیری وسایل ارتباطی» مصوب ۱۹۸۵<sup>۳</sup> حمایت بهتری در مقابل حمله بر مبنای پرونده «آنیس مینیک بر علیه کمیسیون غرامت های خارجی»<sup>۴</sup> به عمل می آورد.

با توجه به منطبق پرونده آنیس مینیک می توان گفت اگر دادستان یا رییس دادسرای عمومی در مورد صلاحیت اخطار رسمی ارجاع به موجب ماده ۱ (۱) از فهرست قانون جرایم جنگی اشتباه کنند، دادگاه ها می توانند چنین اخطاریه ای را باطل بیانگارند و بنابر این از شمول حمایت ماده ۱ (۴) این فهرست خارج کنند. باید عقیده لرد رید<sup>۵</sup> را در پرونده آنیس مینیک درباره اشتباه های قانونی که می توانند به صلاحیت

۱. House of Lords: بالاترین مرجع در تشکیلات قضایی انگلستان که دادگاه های تجدیدنظر کیفری، بخش و نظامی زیر پوشش آن قرار دارند.

۲. متن ماده ۷ (۸) چنین است: «تصمیم دیوان (از جمله، هر تصمیمی در مورد صلاحیتش) قابل تجدیدنظر یا طرح در هیچ دادگاهی نخواهد بود».

3. The Interception of Communications Act 1985.

4. Anisminic V. foreign Compensation Commission.

5. Lord Reid.



منتهی شوند - از جمله، پرسیدن پرسش‌های نادرست، نقض عدالت متعارف<sup>۱</sup> - به یاد داشت و به نظر می‌رسد «معیار ونسبوری»<sup>۲</sup> اکنون به وسیله لرد دیپلاک<sup>۳</sup> در پرونده شورای اتحادیه‌های خدمات شهری بر علیه وزیر خدمات شهری<sup>۴</sup> (پرونده GCHQ)، از اصل عقلانیت<sup>۵</sup> پیروی می‌کند. به نظر می‌رسد درخواست‌های تجدیدنظر قضایی از اخطاریه رسمی، از تأخیر یا حتی ناکامی تلاش‌های دولت در نادیده انگاشتن حمایت‌های آیین دادرسی معمول نسبت به این متهمان ناشی شده باشد.

طبیعتاً می‌توان گفت اقدام‌های مربوط به ارجاع، نقش مهمی در فرایند اجازه طرح ادعای محمول بر صحت به متهم ایفا می‌کند: او نباید تا دراز مدت با یک اتهام و شاید هم در بازداشت زندگی کند، بدون آن که امکان تغییر این ادعا را که اتهامش اثبات نشده است، داشته باشد.

همان طور که پیش‌تر دیدیم، اخطاریه ارجاع مطابق ماده ۴ قانون عدالت کیفری ۱۹۸۷، مشمول حمایت ال‌ترناتیو از یک درخواست (به موجب ماده ۶) به دادگاه کراون برای مردود شمردن آن است. راه دیگر برای نادیده انگاشتن آیین دادرسی ارجاع، کیفرخواست داوطلبانه<sup>۶</sup> است (ماده ۲ (۲) قانون اجرای عدالت [قوانین متفرقه] مصوب ۱۹۳۳). با وجود این، کیفرخواست داوطلبانه به وضعیت‌های خاصی متمایل است و به اینجا مربوط نیست. همچنین به موجب ماده ۲ (۲) ب قانون اجرای عدالت<sup>۷</sup> ۱۹۳۳، درخواست کیفرخواست داوطلبانه باید به یک قاضی دادگاه عالی<sup>۸</sup> داده شود که باید متقاعد شود یک ادعای محمول بر صحت وجود داشته است. بنابر این، حذف حمایت آیین دادرسی به موجب قانون جرایم جنگی ۱۹۹۱ بی‌سابقه و بی‌نظیر به نظر

1. breach of natural justice.

2. Wednesday criteria.

3. Lord Diplock.

4. Council for civil Service Unions v. Minister for the civil Service.

5. Rationality.

6. The voluntary Bill.

7. The Administration of Justice Act 1933.

8. High Court: یکی دیگر از دادگاه‌های وابسته به دیوان عالی قضایی انگلستان است که به سه بخش: (Queens Bench Division)، دادگاه انصاف، دادگاه سلطنتی (Chancery Division) و دادگاه خانواده (Family Division) تقسیم می‌شود. (م)

می‌رسد. همچنین گفته شده است که هر گونه مقایسه با پرونده‌های کلاهبرداری نادرست است. برای یافتن منطق پشت این فهرست، قانون جرایم جنگی باید با توجه به زمینه سیاسی ایجاد آن نگریسته شود.

به عنوان نتیجه بحث نکته‌های زیر را باید در نظر داشت:

نخست، هیچ شخص معقول و متعارفی<sup>۱</sup> به جانبداری از جنایتکاران جنگی نمی‌پردازد.

دوم، قتل عمد تنفر انگیزترین جنایت است و ازدیاد قتل عام‌ها، آن را بیشتر تنفر انگیز می‌کند. با وجود این، انصاف ایجاب می‌کند که با موارد مشابه، برخورد یکسانی صورت پذیرد و بی‌گمان غیر منصفانه خواهد بود که در نبود دلایل قانع کننده قانونی<sup>۲</sup> به جای دلایل سیاسی، با یک گروه از متهمان قتل عمدی، متفاوت با دیگران رفتار شود.

### تصحیح و توضیح

در صفحاتی از مجله شماره ۳۵ نواقصی راه یافته بود که بدین وسیله ضمن

پوزش، تصحیح می‌نماید:

۱ - صفحه ۱۴۱، سطر دوم [این است که] حذف می‌شود.

۲ - پیش از آغاز سطر پنجم از صفحه ۸۴ عبارت: «۳۴ - ابوالحسین یا ابوالحسن

مسلم بن حجاج نیشابوری القشیری یا مسلم بن» افزوده می‌شود.